

کشاورزی خاورمیانه

مسئله زمین

مقدمه

دیماه همانسال یکرشته مطالعات کشاورزی را برای بررسی مسائل مربوط به اصلاح ارضی و کشاورزی خاورمیانه آغاز کردیم و در شماره‌های بعد نیز دنبال شد، اما تعطیل مجله ادامه کار را متعذر گرداند و بررسی‌هایی که در این رشته می‌باید انجام گیرد معوق ماند.

لایحه اصلاحی جدید ایران در سال ۴۰ و پس از یکرشته تحولات و تغییرات در وضع عمومی کشور تهیه گردید و در همانسال بمورد اجرا گذارده شد. هر چند واضعین قانون جدید مدعی هستند قوانین بیشتر کشورهای جهان را در این زمینه مورد مطالعه قرار داده و از آزمایشهای تاریخی استفاده کرده اند اما باز هم عیوب و نواقص اساسی اقتصادی - اجتماعی در قانون جدید بچشم میخورد و گویا تنها از لحاظ حقوقی کمتر مورد ایراد باشد چه بهای اراضی و املاک بنحو مطمئن و قطعی بدارندگان و مالکین اراضی و دهات پرداخت میگردد!

این یک جنبه قضیه بود. اما جنبه دیگر که حائز اهمیت اساسی است در ارزش و اثر تاریخی اجرای چنین لایحه ای نهفته میباشد. قدم اول در کارهای اجتماعی دشوار و خطیر است و معمولاً دقیق و پیش بینی شده هم نمیتواند باشد.

درست است که سیستم اصلاح ارضی با وضعی که پیش گرفته شده و با فرض ادامه و استمرار - صرف نظر از مسائلی که عارض میسازد - از لحاظ بوجود آوردن یک نظام صحیح و قابل دوام کشاورزی که هسته‌های اصیل روشهای سوسیالیستی و انسانی را هم در بر داشته باشد ناقص، معیوب و مردود میباشد اما در هر حال لازم بود که این قدم ولو کوتاه و لرزان برداشته شود، سد فئودالها و مالکین بزرگ بشکند و اوضاع برای روزی که بر اساس ارقام و آمار و رسوم و آداب و اصول اقتصادی و سوسیالیستی رفم ارضی بمورد اجرا درآید آماده و مستعد گردد. این قدم برداشته شد و این سد بهر حال شکست. (از لحاظ رعایت حزم و احتیاط و فراموش نمودن آب و هوا و مختصات اجتماعی ایران باید گفت بازگشت اوضاع و «مالدن» اعلام نمودن آنچه شده است نیز بطور موقت امکان دارد) و این جنبه دیگر قضیه.

کارهای اجتماعی را باید با روشهای اجتماعی و بطور دسته جمعی انجام داد. حق بود که برای مطالعه کشاورزی ایران هیئتی از کارشناسان و اقتصاددانان ذبصلاحیت ما مور شوند و نتیجه کار خود را با ارقام و آمار در معرض افکار و قضاوت عمومی قرار دهند اما اینکار نشده و یا اگر هم ظاهر ن و عنوان شده است ماهیت آن مبتنی بر کوششها و تلاشهای فردی است.

ممکن است یکرشته مطالعه علمی روی مسائل کشاورزی و زمین بنحویزیر اجرا گردد؛
در این بررسی کارهای انجام شده در پنج کارتن دسته بندی خواهد شد؛
کارتن اول شامل آموزش است؛ (۱) مطالعه وضع موجود از لحاظ مالکیت (۲) مطالعه از لحاظ تولید کشاورزی (۳) مطالعه از لحاظ انواع و کیفیت زندگی کشاورزان.

کارتن دوم نیز سه قسمت خواهد داشت : ۱) مطالعه‌ای برای ملی کردن تولید بطور عام
۲) مطالعه‌ای در ملی کردن تولید کشاورزی، ۳) مطالعه‌ای در سیستم های کشاورزی کشورهای مرفعی
که بر پایه ملی کردن تولید کشاورزی قرار دارند.

کارتن سوم شامل مسائل علمی کشاورزی و مسائل عملی از لحاظ هدایت و ارشاد دهقانان برای
بالا بردن سطح تولید و طرح و معرفی پروژه های مختلف آبیاری و عمرانی است.

در کارتن چهارم بررسی های مربوط به مسائل اجتماعی زندگی کشاورزان و دامپروران
و اتحادیه های دهقانی و شرکت های تعاونی و صندوق های تعاونی و طرح های بیمه کشاورزان
را قرار می دهیم .

و سرانجام آخرین کارتن حاوی مسائل سیاسی روز و دفاع از حقوق صنفی دهقانان و مهندسين
کشاورزی و تکنی سین ها می گردد .

این برنامه بطوری که اشاره شد برای يك هیئت ذیصلاحیت می تواند مملک کار و راهنما
قرار گیرد. اما در يك بررسی اجمالی و با مراجعه با اسناد و مدارك پراکنده ای که در دست داریم نتایج
تقریبی و قابل اعتماد زیرین بدست می آید:

اکثریت قاطع و شکننده ملت ایران دهقان و روستائی است و نمود درصد ده نشین ها از راه
کشاورزی و کار روی زمین اعاشه می کنند . صرف نظر از نفت که حسابش جدا گانه است اساس اقتصاد و

بازرگانی خارجی نیز روی تولید کشاورزی تکیه دارد. تقسیم محصول بین مالک و دهقان در زراعت آبی و دیم
متفاوت است. در بسیاری از نقاط کشور زراعت دیم سه کوت و زراعت آبی پنج کوت است یعنی يك سوم

در دیم و يك پنجم در آبی سهم مالک (زمین) می باشد و استثنا هم بر این ترتیب دیده میشود (در بعضی
نقاط هم دانه يك دوم محصول آبی از آن مالک است ...) عوامل اساسی تقسیم محصول در همه جا (با

تفاوت نسبت ها) عبارتند از زمین ، آب ، گاو ، بندر و کار اما علاوه بر سهمی که مالکین در برداشت
محصول بدست می آورند کم و بیش عوارض و پرداخت ها و هدیه ها و باجها و جریمه های دیگری از

دهقانان وصول می گردد که خود داستان و تفصیلی جالب و آموزنده دارد . مثلا گاهی سکنه يك ده یا
کشاورزانی که زمین را می کارند بابت سکونت خود اموال و جوهری بمالکین پرداخت مینمایند

هر خانوار (زن و شوهر و فرزندان کمتر از ۱۸ سال) يك من روغن یا ۴۵ تا ۵۰ من هیزم یا سی ریال
باضافه دو دانه مرغ و ۳ کیلو هیزم ... این کارهای کشاورزی عبارت است از گاو الاغ و گاهی هم خود

دهقانان که زمین را شخم می کنند یا دیگر کارهای کشاورزی را انجام میدهند . خانه های دهاتی
اکثر قدیمی و ازخشت و گل و چوب است . مدرسه و پزشك کمتر بدهر آید اما کند و نوع غذا و میزان

کالریها و ویتامین های متوسط افراد کشاورز غیر کافی و سرانجام باید افزود : فقر و محرومیت شدید از
چند کیلومتری هر روستا احساس میشود . در این اوضاع و احوال توجه بنداشتن آمار و ارقام دقیق

ضرورت بررسی علمی و دسته جمعی بنحوی که اشاره کردیم بیشتر احساس می گردد.
تکیه اساسی قانون اصلاح ارضی (که بنوع بنقد آن خواهیم پرداخت) زیاد تر روی مالکیت

مطلق دهقان بر زمین مورد کشت قرار دارد . در این قانون اشاره بمسائل دیگری من جمله
شرکت های تعاونی نیز شده است اما روشن است که با پیش بینی های ناقص قانونی و وجود نداشتن

ضابطه های کافی و مجرب جهانی توزیع زمین بین دهقانان بنتهائی نه کافی میتواند باشد و نه عمومیت
دارد . در يك نظر اجمالی آینده روستاهای نو بنیاد (که پس از اجرای فرضی و کامل قانون بوجود خواهد

آمد) رقت بار و تاسف آور جلوه مینماید؛ اگر قانون بطور دقیق و در سراسر کشور اجرا گردد ۱۵ یا
۲۰ سال دیگر روستاهای ایران چه وضعی خواهد داشت ؟

تعدادی از کشاورزان روی زمین های خود باقی مانده اند ولی وسائل و لوازم کافی در اختیار
ندارند . تعدادی دیگر را ترك و زمین های خود را فروخته اند . دسته سوم اراضی در اثر مرك دهقانان

و تقسیم بارث بایر مانده یا محصول آنها برای وراثت کافی نیست . اختلاف طبقاتی نسبتا فاحشی بین
دهقانان غنی و فقر و کشاورزان با زمین و بی زمین پدیدار میشود و آنچه مورد نظر بوده یعنی بهره -

برداری منظم و مکانیزه از زمین هر گر صورت واقعیت بخود نکرده است ...
در چنین چشم اندازی نمی توان محصول کلی کشاورزی را چه از لحاظ کیفیت و چه از لحاظ کمیت
بمیزانی قابل ملاحظه بهتر و بیشتر از سابق دانست و بهمین دلیل یعنی تکیه اصلاح ارضی کنونی بر روی
اختصاص دادن زمین بکشاورزان نمی توان به بحث روی آن قناعت کرد.

بر گردیم بطرحی که اندیشه و هنر جهت مطالعه مسئله کشاورزی و با توجه به نداشتن امکان
برای یک کار دسته جمعی در نظر گرفته است؛ نخستین مسئله اینست که مطالعه روی امور کشاورزی و
زمین یک مطالعه کلی و اصولی باشد؛ قبل از طرح مسائل فنی کشاورزی
از لحاظ منطق اقتصادی و اجتماعی لازم است نقش و تاثیر کشاورزی و تولید آنرا در زندگی
توده های دهقان و ملل خاور میانه بسنجیم و حجم تولید مواد خام و میزان صادرات هر یک از کشورها و
خصوصا ایران را در نظر بگیریم و وابستگی های اقتصادی و بازرگانی خارجی هر کشور را روی مواد -
خام کشاورزی مطالعه نمائیم. مرحله دوم مطالعه رفرم های ارضی است که در بیشتر کشورهای خاور میانه
(با استثنای ایران) انجام شده. منابع غنی برای تحقیق در این زمینه از طرف سازمان ملل متحد و بعضی
موسسات اقتصادی دیگر تهیه و تامین گردیده و مقداری از آنها در اختیار مجله می باشد. پس از این
دو مرحله و با توجه باصول کلی اقتصاد سوسیالیستی و اصول انسانی رایج در جهان و همچنین تکیه روی
آمار و ارقامی که در دست است باید بطرح برنامه اصلاح ارضی و کشاورزی در ایران پرداخت و آنچه از
قانون فعلی بعنوان قدم های اولیه چنین طرحی مفید است مشخص گردانید.

باین ترتیب بررسی «اندیشه و هنر» با مطالعه تولید کشاورزی و نوسانات آن در خاور میانه و
ایران آغاز می گردد، براه حلها و اصلاح ارضی کشورهای مختلف توجه می نماید و سپس بایران میرسد.
در همین حال هر گونه نظر یا حقایق و ارقام و آماری که بدست ما برسد مورد استفاده قرار خواهد گرفت
و استقبال خواهد شد.

آخرین نکته ای که در این مقدمه باید گنجانند اینست که بوق و مزغون بر نامه سوم مدتی
است بلند شده و پیش نویس کلی آن قبلا بزبان انگلیسی و سپس بزبان فارسی برای مجله رسیده است؛ اما
جای شکفتی است که از رفرم ارضی و حل مسئله زمین و کشاورزی با همه اهمیت عظیم و تعیین کننده که در
اقتصاد و آینده تولید کشور دارد تا می در این برنامه برده نمی شود.

چنین ایرادی را باد و گونه توضیح می توان رفع شده و یا نادیده انگاشت؛ توضیح و تعلیل اول
اینست که دستگاه تنظیم کننده برنامه سوم خود را جدا از دستگاه اجرا کننده رفرم ارضی می داند و هم -
چنین دستگاهی که رفرم ارضی را اجرایی نماید سازمان جداگانه دیگریست که با تنظیم کنندگان
برنامه سوم ارتباطی ندارد. هر کدام از اینها قدرتی هستند برای خودشان و کاری می کنند بدون توجه
بعوامل دیگر؛ و اما توضیح دوم اینست که شاید معتقدند رفرم ارضی در امور اقتصادی و تولید کشاورزی
ندارد و مسئله ای نیست که در برنامه سوم گنجانده شود؛ در هر حال منطق اقتصادی و اجتماعی ایجاب
می کرد و ایجاب می کند که تکیه بر نامه سوم لااقل روی رفرم ارضی و حل مسئله زمین نیز قرار می گرفت
و آنرا هم یکی از مسائل جدی و اساسی محسوب می داشت...

و اما از این نکته هم که بگردیم بکار اصلی و بررسی خود باز میگردیم و آنچه را در گذشته
شروع کرده بودیم دنبال می کنیم؛

تکامل کشاورزی خاور میانه: ۱۳۳۵-۳۶

تحول اقتصادی خاور میانه در سالهای اخیر و خصوصاً در سال ۱۳۳۵-۳۶ که مورد مطالعه
ماست و بویژه از لحاظ کشاورزی و محصولات آن بنحوی کلی و عمومی در نظر گرفته شده و آمارها و شاخص
هائی برای نمایش آنها تهیه کرده اند. بیشتر کشورها فاقد آمارهای دقیق تولید و توزیع و محصول
کشاورزی و زمین زیر کشت و بذرو کود میباشند ولی سازمان ملل متحد از روی اطلاعات و آماری که
همین کشورها در اختیارش قرار داده اند و تحقیقات و بررسی های کارشناسان خود توانسته است میزانهای

توجه تعداد ترکتورهای مورد استفاده (از ۱۳۲۹ الی ۱۳۳۵) می توان قیاس نمود.

برای حیوانات و تولیدهای دامی و حیوانی پس از جنگ دوم آمار و ارقام کامل و صحیحی در دست نیست و باین علت نتیجه گیری کلی و اصولی میسر نمی باشد. ارقام تولید صرف نظر از موارد استثنائی (مانند گوشت در مصر، شیر و چهارپایان در اسرائیل، مرغ داری در لبنان و ترکیه و چهارپایان در سوریه که از دیادی مداوم را نشان می دهند) نسبت به کشورهای بطور تک تک و هم چنین برای ناحیه بطور کلی و یک جانماش دهنده تغییرات و نوساناتی هست که سال بسال حادث شده ولی مجموع این ارقام و آمار مشخص کننده یک جریان کلی و عمومی با تمایل خاصی نیست و در این مورد اظهار نظری قطعی و منجز دشوار و غیر عملی مینماید.

و اما مصرف مشخص سرانه در سال ۳۵-۱۳۳۴ و ارقامی که برای این امر در سه کشور خاور میانه جمع آوری شده است نشان می دهد که اسرائیل با رقم ۲۸۶۰ بعنوان جمع کل کالوری مصرف روزانه در درجه اول قرار گرفته و ترکیه با ۲۶۷۰ و مصر با ۲۵۹۰ در مراتب دوم و سوم. هم چنین در مورد پروتئین و مصرف چربی سرانه در روز با توجه به طبقه بندی غذایی فردی ترتیب مذکور در مورد کشورهای مذکور با مجزا کردن دانه های خوراکی و قند و ماهی صادق است. در مورد حبوبات کشور مصر در مرتبه اول و ترکیه در مرتبه دوم قرار میگیرد. ولی در مورد شکر و ماهی مصرف سرانه مصر پس از اسرائیل است.

اعتبارات کشاورزی در سال ۶-۱۳۳۵ افزایش پیدامی کند و هر گاه مقایسه ای بین سال های ۱۳۳۰ و ۱۳۳۴ بعمل آید توسعه موسسات فلاحتی اعتباری خصوصا در اسرائیل و ایران و سوریه و ترکیه مشهود است (مصرف این اعتبارات در امور فلاحتی بعضی کشورها منجمله ایران صد درصد خالص نیست) اضافه اعتبار فلاحتی کشورهای مورد بحث بترتیب بالغ بر ۴۴۰، ۱۵۰، ۸۶ و ۵۰ درصد میگرد و با نگاهی کشاورزی دولتی مهمترین منبع این اعتبارات محسوب است. جدول زیرین وضع اعتبارات کشاورزی را در کشورهای مورد مطالعه مشخص می نماید. در این جدول واحد میلیون دلار آمریکائی و ارقام مورد مطالعه قرضه ها و اعتبارات اعطا شده کشاورزی می باشد. منابع و ماخذ ارقام و آمار دفتر امور اقتصادی سازمان ملل متحد، سازمان خوار و بار و کشاورزی جهانی و گزارش مربوط بخوار و کشاورزی جهان منتشره در ۱۳۳۶ در دست است و اینک جدول:

نام کشور	حجم قرضه ها در ۱۳۳۰	۳۱	۳۲	۴۴
مصر	۳۴۸	۵۴۹	۵۷۲	۵۳
ایران	۷۳	-	۱۱۳	۱۸۳
عراق	۸	-	۳۸	۴۵
اسرائیل	۵۹	-	-	۶۳
اردن	۳	-	۱۴	۲
لبنان	-	-	-	۱
سودان	۲	۲	۷	-
سوریه	۶۵	۸۶	۲۲	۱۲
ترکیه	۲۳۴۳	۴۳۱۵	۳۶۶۱	۴۲۱

مطالعه اصلاحات ارضی که در کشورهای مختلف خاور میانه صورت گرفته بطور منظم مانع از این نیست که ضمن بررسی تولید اشاره ای هم بپاره ای از این رفرمها بشود؛ کشور مصر در سال ۱۳۳۱ قانون اصلاح ارضی خود را وضع و با اجرای آن اولاتقلیل قابل ملاحظه ای در اجاره بهای املاک زراعی فراهم کرد و ثانیاً سلب مالکیت عملی از تمام زمیندارانی که زائد بر ۲۰۰ فدان (هر فدان معادل ۰.۴۲ هکتار است) داشتند تحولی نسبتا وسیع و عمومی پدیدار نمود. زمین های حاصله میان کشاورزان قسمت گردید؛

در سال ۱۳۳۴ از کل ۵۶۷۰۰۰ فدان اراضی مشمول اصلاح ارضی و سلب مالکیت شده ۴۱۵۰۰۰ فدان در دست دولت متمرکز گردیده و قسمت اعظم آنها پس از سلب مالکیت بوسیله دولت زراعت و اداره میشد، بخشی از این اراضی نیز به کشاورزان تخصیص یافت.

در پایان اکتبر ۱۹۵۵ (اوائل آبان ۱۳۳۴) دولت معادل ۲۴۱۰۰۰ فدان زمین سلب مالکیت شده را کشت و اداره مینمود. از تاریخ اول نوامبر ۱۹۵۳ (یازدهم آبان ۱۳۳۲) تا ۲۱ اکتبر ۱۹۵۴ (اول آبان ۱۳۳۳) بالغ بر ۱۰۱۰۰۰ فدان زمین از ۲۰۰۰ خانواده اخذ گردید و قبل از سلب مالکیت معادل ۹۲۰۰۰ فدان اضافی از طرف مالکین به کشاورزان کوچک فروخته شد.

هیئت عالی اصلاح ارضی در سال ۱۳۳۴ توزیع ۱۰۰۰۰۰ فدان زمین دیگر را ظرف چهار سال بجای پنج سال در میان دهقانان مقرر گردانید و برنامه‌ای باین منظور تنظیم نمود و در سپتامبر ۱۹۵۵ (شهریور ۱۳۳۴) معادل ۲۶۱۰۰۰ فدان زمین میان دهقانان توزیع شده بود اما همه این اقدامات در کشور مصر بعنوان راه حل نهایی و قطعی کمبود زمین تلقی نشد و مسئله ادامه یافت.

درباره اهمیت و کیفیت اصلاح ارضی مصر بحث دقیقتر را به موقع مناسب آن در قسمت دوم این مطالعه موقوف می‌کنیم، بعد از اولین قانون اصلاح ارضی تغییراتی بمرور زمان و در جهت پیشرفت و توسعه اصلاح ارضی داده شد و قانون با شرایط زمان منطبق گردید. بموجب قوانین مصر ارضی هر مالکی که زاید بر ۲۰۰ فدان باشد از او منتزع میگردد قیمت این ارضی در اقساط ۳۰ ساله و یا سود ۳ درصد بمالکین پرداخت میشود. سپس زمین را دولت در قبال پولی که از دهقانان میگیرد به آنها واگذار مینماید قیمت زمین که دولت از کشاورزان میگیرد عبارتست از مبلغی که دولت بمالکین پرداخته باضافه ۱۵ درصد بابت هزینه‌های سلب مالکیت و ربح سالانه‌ای معادل سه درصد. این وجوه در اقساط ۳۰ ساله از دهقانان وصول میگردد.

قانون مصر اولاً تشکیل شرکت‌های تعاونی را برای مقاصد خاصی پیش‌بینی مینماید ثانیاً تقسیم مجدد ارضی را که از یک حد اقل مساحت کمتر ندمع مینماید ثالثاً روابط بین مالک و مستاجر زراعی را تنظیم میکند و رابعاً به کارگران کشاورزی حق تشکیل اتحادیه اعطا مینماید.

قانون بعدی اوقاف خانوادگی را ملغی گردانید. اهمیت قانون اخیر با ذکر این حقیقت روشن میشود که قسمت بزرگی از ارضی کشاورزی مصر را اوقاف خانوادگی تشکیل میدهند و معادل ۵۰۰۰۰۰ فدان یا هشت درصد کل ارضی کشت شده مصر مشمول این قانون گردید. ارزش این ارضی در حدود ۱۲۰ میلیون لیره مصری است (حسن‌ایبو سعوده) اصلاح ارضی در مصر - وزارت هدایت ملی

در اول اکتبر ۱۹۵۴ دولت مصر معادل ۷۵۵۰۰۰ فدان زمین را از مالکین منتزع نمود و از این ارضی ۱۱۸۰۰۰ فدان املاک خانواده سلطنتی سابق بود که باید استثنا گردد. تا سال ۱۹۵۳ معادل ۱۸۰۰۰ فدان زمین کشاورزان توزیع گردید ولی این رقم در اکتبر ۱۹۵۴ از ۲۰۰۰۰۰ فدان تجاوز می‌کرد. تعداد مالکینی که از آنها سلب مالکیت گردید بالغ بر ۶۰۰۰۰ خانواده و یا ۳۶۰۰۰۰ نفر (با افراد خانواده‌ها) می‌شد. مضافاً قانون مصر تعداد زیادی از مالکین را بفروش ۹۲۰۰۰ فدان زمین بمالکین کوچک راهنمایی و الزام نمود. تعداد بزرگتری از کشاورزان در اثر کاهش میزان اجاره بها وضع اقتصادی بهتری یافتند و میزان محصول خود را بالا بردند.

هفتاد شرکت تعاونی جدید بموجب قانون تاسیس گردید و اجرای قانون اصلاح ارضی توأم

با مراقبت دولت و استفاده از تجارب تاریخی و طرح پروژه‌های اقتصادی علاوه بر تامین عدالت اجتماعی موانع بزرگی که در راه تکامل اقتصادی مصر قرار داشت از میان برداشت و راه را در جهت صنعتی شدن کشور هموار نمود.

قسمتی از بهای اراضی در رشته‌های صنایع بکار افتاد. میزان تولید کشاورزی بالا رفت دستمزد کارگران کشاورزی و قدرت خرید آنها اضافه شد و ذخیره‌های خصوصی در کار تولید وارد گردید و نتیجتاً میزان کلی تولید و ظرفیت بازار داخلی افزایش پیدا کرد...

Bibliography:

- 1) Economic Developments in The Middle East: (U.N.)
- 2) Landlord and Peasant. Lambton.
- 3) Problems of Socialism.
- 4) Organization of Agricultural Production.

(۵) یادداشت‌های شخصی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

